

## روش‌های تبلیغی کفار و منافقان در قرآن\*

سمیه صیادی\*\*

طاهره محسنی\*\*\*

### چکیده

در دوره پیامبر(ص) معاندان با اتخاذ شیوه‌های مختلف تبلیغی در صدد ضربه زدن به پیکره اسلام و شخص پیامبر بودند. اما خداوند از طریق وحی راهکارهای مقابله با این شیوه‌های تبلیغی را به پیامبر الهام می‌فرمود. شناسایی این روش‌ها و نحوه مقابله با آنها دارای اهمیت بسزایی دارد، چرا که خنثی‌سازی توطئه دشمنان و معاندان عصر حاضر و غلبه بر ترفندهای تبلیغی آنان امری ضروری است. در این پژوهش ابتدا شیوه‌های تبلیغی معاندان مطرح شده و برای هر روش، حداقل یک راه مقابله با آن نیز از قرآن استخراج گردیده است. به طور کلی، معاندین از روش ترور شخصیتی، ایجاد جنگ روانی، سازشکاری، تهدید، القای یاس، استهزا، تفرقه افکنی و القای ترس استفاده می‌کردند که قرآن در مقابل هر یک راه کارهایی را نیز ارائه کرده است و با توجه به شأن نزول آیات و تفاسیر به صورت مطالعه‌ی درون متنی قرآن، با روش تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است.

**کلید واژه‌ها:** روش‌های تبلیغ، معاندان، کفار، منافقین در قرآن.

\* تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۲۷ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۵

\*\* مدرس حوزه و دانشگاه، مرکز عالی تخصصی حوزوی رفیعه المصطفی (نویسنده مسئول)

sayadi.kosar@gmail.com

Ttmohsany@gmail.com

\*\*\* استادیار دانشگاه امام صادق(ع)،

## مقدمه

تبلیغ ابزاری برای رسیدن به اهداف و عقیده‌ای خاص است که مورد استفاده‌ی افراد حق‌گرا و حق‌ستیز قرار می‌گیرد. تبلیغ نه تنها در صدر اسلام بلکه در جامعه‌ی کنونی نیز در سطح جهانی مهمترین کاربرد را در تسخیر اذهان عمومی دارد. آشنایی با روش‌های تبلیغی معاندان ضروری است؛ زیرا دانستن آنها ما را به واکنش مناسب رهنمون می‌سازد. هرگاه این روش‌ها از دل قرآن استخراج شود، مطمئن‌ترین راه مناسب برای دفاع از اعتقادات و جلوگیری از هجمه و اغفال افکار عامه مسلمانان است. جالب توجه است که روش‌های آنان همواره در طول تاریخ تکراری و مشابه یکدیگر است. آگاه بودن از این شیوه‌ها بر هر مسلمانی واجب است تا ناخودآگاه در دام این صیادان نیفتند. بررسی و مطالعه درباره مسائل اجتماعی اسلام، از جمله تبلیغ معاندان می‌تواند در تحلیل حرکت‌های اجتماعی و سیاسی عصر ما و درک درست از جریان تبلیغی دشمنان، ما را در مسیر شناسایی منافقین و تبیین استراتژی صحیح و تاکتیک‌های مؤثر در برخورد با آنان در عصر حاضر یاری نماید. پژوهش حاضر با هدف شناخت دقیق رفتار معاندان در عصر نبوی به منظور بررسی سیر عملکرد تبلیغی آن‌ها در آن دوران نگارش یافته است. جستاری در پیشینه تحقیق بیانگر آن است که پژوهشی با این عنوان تا کنون صورت نگرفته است، اما مسأله شیوه رفتاری تبلیغاتی پیامبر و اهل بیت، در مقالات انجام گرفته است. در این مقاله نیز سعی شده است به صورت خاص تمام روش‌هایی که کفار و منافقین از آن استفاده کرده و مهم‌تر از آن راه مقابله و راهکار آنها در قرآن به صورت مجزا مورد بررسی قرار گیرد. این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و با روش تحلیلی و توصیفی انجام شده است.

## ۱- چهارچوب نظری

کفار و منافقین از خطرناک‌ترین دشمنان دین اسلام و پیامبر بودند. منافقین ضمن پنهان داشتن کفر و تظاهر به اسلام، با تولید بدعت‌های مختلف و تبلیغ و ترویج آن بین مسلمانان،

## روش‌های تبلیغی کفار و منافقان در قرآن ۱۳۷

موجب تردید در دین و سستی ایمان مسلمانان می‌شدند و با این کار می‌خواستند تا انهدام دین پیش بروند. ولی خداوند، خود محافظ و نگهبان دین و قرآن و پیامبر خود بود و این موضوع را به کرات در آیات مختلف بیان فرموده است. شیوه‌های تبلیغی آن‌ها بر اساس آیات قرآن به شرح ذیل است:

### ۱-۱- ترور شخصیتی

ترور شخصیت از لحاظ فنون اطلاعاتی شیوه‌ای از عملیات روانی است که جایگزین ترور فیزیکی شده است. هدف اساسی در ترور شخصیت، تسخیر افکار عمومی و تغییر نگرش و رفتار مخاطبان است. در زمان‌هایی که نتوان فردی را ترور فیزیکی کرد و یا نباید افراد مورد ترور فیزیکی قرار گیرند، دشمن و یا منافقان نفوذی سعی می‌کنند از طریق عوامل تبلیغاتی جنگ روانی آنان را ترور شخصیت نمایند.

توطئه ترور شخصیت اجتماعی پیامبر و خانواده‌ی آن حضرت از اموری بود که قلب حضرت را به شدت مکدر ساخت. منافقین از طریق انتشار داستان افک سعی در ترور شخصیتی همسر پیامبر(ص) داشتند. غالب سیره‌نویسان ماجرای افک را مربوط به عایشه دانسته‌اند که گزارشگر این واقعه نیز خود عایشه است، اما گزارش دیگری هم وجود دارد که ماجرای افک را مربوط به همسر دیگر پیامبر(ص) یعنی ماریه قبطیه دانسته است. به هر حال چه ماجرا مربوط به عایشه باشد و یا اینکه مربوط به ماریه قبطیه باشد آنچه در این میان قطعی است، تهمتی است که از جانب عده‌ای از منافقان به یکی از همسران پیامبر(ص) زده شده و قلب مقدس آن حضرت را جریحه‌دار نموده است که سرانجام با نزول وحی دامن همسر رسول گرامی اسلام از تهمت منافقین پاک گردیده است. (نور/۱۱)

و از آیات بر می‌آید که به بعضی از خانواده رسول خدا نسبت فحشاء دادند و نسبت دهندگان چند نفر بوده و داستان را در میان مردم منتشر کرده و دست به دست گردانده‌اند، و نیز به دست می‌آید که بعضی از منافقین یا بیماردلان در اشاعه این داستان کمک کرده‌اند،

چون به طور کلی اشاعه فحشاء در میان مؤمنین را دوست می‌داشتند، و لذا خدا این آیات را نازل کرده، و از پیامبر (ص) دفاع کرد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹، ۱۲۸)

همچنین منافقین معاند برای حرمت‌شکنی ایشان و ضربه‌زدن به قداست آن بزرگوار، بدون اجازه وارد خانه‌اش می‌شدند و در خانه‌اش می‌نشستند و با هیاهو او را فرا می‌خواندند. (نور/۶۳)

### ۱-۱-۱- همدلی و توجه به عقوبت کار، راه مقابله با ترور شخصیتی

یکی از راهکارهای مقابله با ترور شخصیتی در قرآن پرداختن به جنبه گناه بودن این موضوع و عقوبتی است که در پی خواهد داشت.

خداوند می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا كَسَبُوا فَكَذَّبُوا بِهِنَّ إِثْمًا وَإِثْمًا مُّبِينًا»؛ و کسانی که مردان و زنان مؤمن را [با متهم کردن] به اعمالی که انجام نداده‌اند، می‌آزارند، بی‌تردید بهتان و گناه بزرگی بر عهده گرفته‌اند. (احزاب / ۵۸)

ظاهر آیه در رابطه با تهمت‌زدن و افتراء بستن است؛ یعنی کاری را که نکرده‌اند به آنها نسبت بدهند و آزارشان دهند و آبرویشان را خدشه‌دار نمایند. این کار بهتان و گناهی آشکار است. گناه آشکار بودن به علت روشن بودن آن از نظر عقل و تفکر آدمی است که هر انسان آن را گناه می‌داند، بهتان دروغی است که شخص را مبهوت می‌کند. (قرشی بنابی، ۱۳۷۷: ۳۹۲، ۸)

در مورد ماجرای افک منافقین کار را به جایی کشاندند که قرآن به پاکدامنی آن بانو گواهی داد. (نور/۱۱) در این آیه خداوند متعال یرده از روی نیت پلید جمعی از دشمنان شکست خورده و منافقان برداشت، و آنها را رسوا ساخت، و چه خوب است که محک تجربه به میان آید تا آنان که غش دارند سیه‌رو شوند، و چه بسا اگر این حادثه نبود و آنها هم چنان ناشناخته می‌ماندند در آینده ضربه سخت‌تر و خطرناک‌تری می‌زدند. (مکارم شیرازی، ۱۴، ۱۳۸۴: ۳۹۵)

## روش‌های تبلیغی کفار و منافقان در قرآن ۱۳۹

از قرائتی که در خود آیات وجود دارد نیز به دست می‌آید که سرخ این تهمت در دست منافقان بوده است و روش تبلیغی علیه شخصیت پیامبر بزرگوار بوده است. (یعقوبی، ۱۳۶۲: ۴۱۳)

توطئه‌گران ارتباط بسیار نزدیکی با هم داشته‌اند و یک چنین گروهی در میان مسلمانان جز منافقان گروه دیگری نبود به خاطر مخالفتی که از ورود او به مدینه انجام گرفته بود و او در دروازه مدینه متوقف بود که ورود همسر پیامبر(ص) را با شتر صفوان مشاهده می‌کند و چون زمینه برای تهمت زدن آماده بود فوراً دست به تهمت زده و می‌گوید که به خدا سوگند هیچ کدام از گناه نجات نیافته است. (سبحانی، ۱۳۸۳: ۹۶-۹۷)

بهترین شیوه برای مقابله با شیوه تبلیغی کفار که به وسیله ترور شخصیتی پیامبر(ص) و نزدیکان آن حضرت صورت می‌گرفت، همدلی و وحدت است.

وحدت عامل مهم حرکت بخش برای انقلاب‌ها بوده، یکی از این انقلاب‌ها که در تاریخ بشریت رخ داده، انقلابی بود که با ظهور اسلام و سرنگون شدن جاهلیت صورت گرفت. این وحدت مسلمانان، توان آنان را در برابر دشمنان، صدها برابر کرد و موجب سربلندی و عزت و اقتدار بی‌نظیر آنان شد.

قرآن کریم، گروه‌گرایی و پراکندگی را از برنامه‌های تبلیغی مشرکان دانسته، و مسلمانان را به شدت از آن نهی کرده و به انسجام تحت پوشش توحید دعوت فرموده و با صراحت می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا»؛ (روم / ۳۱ و ۳۲) و از مشرکان نباشید. مشرکانی که دینشان را بخش بخش کردند و [سرانجام] گروه گروه شدند.

بنابراین عوامل و زمینه‌های فراوانی برای تفرقه و تشتت وجود دارد که به وسیله تبلیغ بین مسلمانان انتشار می‌یافت که مطالعه تاریخ اسلام نیز به روشنی بر این مدعا گواهی می‌دهد، که در این رهگذر قرآن کریم به شدت با آنها مقابله نموده است.

## ۱-۲- ایجاد جنگ روانی

مهم‌ترین عامل در ایجاد جنگ روانی، شایعه‌سازی و شایعه پراکنی می‌باشد که همواره مورد توجه منافقان بوده است. سطحی‌نگری و زودباوری عوام در انتشار سریع شایعات نقش بسیار مهمی دارد. عموم مردم خیلی زود آنچه را که می‌شنوند، باور و بدون بررسی به دیگران انتقال می‌دهند. دشمنان از این نقطه ضعف استفاده کرده و با شایعه‌سازی، سعی در تغییر افکار جامعه و بدبین نمودن آنها نموده و گاهی چنان در این امر موفق می‌شوند که مسائل روشن را نیز با شایعه‌پراکنی بر مردم مشتبه می‌نمایند. معمولاً شایعه را دشمن سفارش و منافقین تولید می‌کنند و افراد ساده‌لوح آن را می‌پذیرند. (عبداللهی عابد و وجدی، ۱۳۹۴: ۱۱۷)

تبلیغات رنگارنگ منافقان، درباره کلیدی‌ترین کارهای جامعه اسلامی نظیر انفاق و تقویت بنیه مالی نظام، حضور در صحنه‌های مختلف پیروی از رهبری و ... موجب می‌شود تا اعتقاد و اعتماد مردم کمرنگ شده و قدم به قدم آنها را از صف فشرده مسلمانان جدا کنند. پخش شایعات دروغین، ترساندن مردم از نتیجه کارها و ... از این جمله است. اینها از افرادی هستند که کفرشان را در دلشان نهان کرده و ایمان را آشکار می‌کنند و آنچه را در زبان جاری می‌کنند در دل به آن اعتقاد ندارند.

بعد از پیروزی مسلمانان در جنگ بدر، پیامبر (ص) «عبدالله بن رواحه» و «زید بن حارثه» (فرزند خوانده رسول خدا) را همراه با شتر خود به مدینه فرستاد تا خبر پیروزی اسلام بر مشرکان و کفار را برسانند. انتشار خبر پیروزی، منافقان را سخت لرزاند ولی دست از شیطنت‌های خود برنداشتند و به یکی از یاران رسول الله (ابولبابه) گفتند: جریان به گونه دیگری است، مسلمانان شکست خورده‌اند و محمد کشته شده است و نشانه آن شتر اوست که «زید» به آن سوار شده و از ترس نمی‌داند چه می‌گوید. «اسامه بن زید می‌گوید: وقتی از گفت‌وگوی آن منافق با «ابولبابه» آگاه شدم، خود را به پدر رساندم و پرسیدم: آیا جریان همانطور است که شما می‌گویید؟ پدرم گفت: به خدا سوگند آری، در این موقع من

## روش‌های تبلیغی کفار و منافقان در قرآن ۱۴۱

با روحیه‌ای قوی جلوی آن منافق را گرفتیم و گفتیم چرا بر ضد اسلام شایعه‌سازی می‌کنی؟ به زودی تو را معرفی می‌کنم تا به کیفر عمل خود برسی، منافق در حالی که در وحشت فرو رفته بود گفت: آن چه را گفتیم، من هم از کسی شنیده‌ام. (جعفریان، ۱۳۶۶: ۴۸۹)

خداوند از زبان منافقین می‌فرماید: «وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا»؛ (احزاب / ۱۲) و آن گاه که منافقان و آنان که در دل‌هایشان بیماری [ضعف ایمان] بود، می‌گفتند: خدا و پیامبرش جز به فریب ما را وعده [پیروزی] نداده‌اند.

بنابراین، تعبیر قرآنی «فی قلوبهم مرض» در همه جا بیانگر منافقان اصطلاحی و مرتبه‌ای از مراتب نفاق نیست، بلکه اصل «بیمار دلی» در همه این مراتب، کم یا زیاد، وجود دارد و باعث انحراف از خط مستقیم فطرت می‌گردد. علامه طباطبایی ذیل آیه ۱۲ سوره احزاب که واژه «المنافقون» و تعبیر «و الذین فی قلوبهم مرض» کنار هم ذکر شده‌اند، می‌گوید: چنین کسانی که به بیمار دلی وصف شده‌اند منافقان نیستند. (طباطبایی، همان: ۳۳۷) بلکه در عرف قرآن، سست باورانی‌اند که به سوی هر صدایی متمایل می‌شوند و با هر نسیمی می‌جنبند. (همان)

### ۱-۲-۱- راه مقابله قرآن با ایجاد جنگ روانی

واکنش قرآن به پدیده شایعه پراکنی و توطئه حاوی درس‌ها و نکته‌های پندآموزی است که باید در همه دوران‌ها مورد توجه مؤمنان قرار گیرد که البته فرونشاندن جو التهاب و متوجه ساختن مسئولیت گناه به تهمت‌زندگان و مبارزه با توطئه‌گران می‌باشد که به طور مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱-۱-۲-۱- فرونشاندن جو التهابات

خداوند در اولین گام تلاش می‌کند جو التهاب و اضطراب را فرو نشاند، از این رو می‌فرماید: «لَا تَحْسِبُوهُ شَرًّا لَّكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ»؛ (نور / ۱۱) گمان نکنید این ماجرا برای شما شر بود بلکه برای شما خیر بود.

علامه طباطبایی می‌گوید: «یکی از سعادت‌های جامعه صالح آن است که اهل ضلالت و فساد در آن جامعه شناخته شوند، تا جامعه نسبت به وضع آنها بصیرت پیدا کند و برای اصلاح این اعضای فاسد دست به اقدام زند. مخصوصاً جامعه دینی که سروکارش با وحی آسمانی است و در هر پیشامدی وحی بر آنان نازل می‌شود و آنان را موعظه و پند می‌دهد که چگونه از این پیشامد استفاده کنند و دیگر نسبت به امور خود سهل‌انگاری و غفلت روا ندارند بلکه در امر دین خود و در هر امر مهم دیگر زندگی شان احتیاط کنند» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۶۶)

#### ۱-۲-۱-۲- متوجه نمودن مسئولیت گناه به تهمت‌زندگان

دومین اقدام قرآن آن است که مسئولیت گناه را متوجه تهمت‌زندگان و توطئه‌کنندگان می‌کند و از مجازات آنان سخن می‌گوید؛ به عنوان مثال، در ماجرای افک گرچه خداوند در ابتدا این ماجرا را به نفع و خیر جامعه می‌شمارد، اما این بدان معنا نیست که توطئه‌کنندگان از مسئولیت مبرا باشند از این رو می‌فرماید: «لَكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ»؛ (نور / ۱۱) اینهایی که دست به چنین گناهی زدند، هر کدام سهم خود را از مسئولیت مجازات خواهند داشت. آن‌گاه مسئولیت بزرگتر را متوجه سردمداران این ماجرا می‌کند و می‌فرماید: «وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ»؛ کسی که بخش عظیم این گناه را از آنها بر عهده داشته، عذاب عظیم و دردناکی خواهد داشت. در حقیقت این جمله بیان می‌کند کسی که بیش از همه در ماجرای افک دخالت داشته و نخستین شعله‌های آتش افک را برافروخته و رهبر این گروه محسوب می‌شود، به تناسب مجازات بزرگتری نیز خواهد داشت.

درس دیگری که این ماجرا به مسلمانان آموخت این بود که به ظاهر حوادث تنها ننگرند، چه بسا حوادث ناراحت‌کننده و بد ظاهری که «خیر کثیر» در آن نهفته است.

(مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۳۹۵/۱۴)



۱-۲-۱-۳- مبارزه با توطئه‌گران

سومین اقدام قرآن در امر مقابله با توطئه شایعه‌سازی، مبارزه با توطئه‌گران می‌باشد. به عنوان نمونه در مقابله قرآن با توطئه افک، سرزنش مومنان است که در این حادثه فریب خوردند و تحت تاثیر واقع شدند. قرآن می‌فرماید: «لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ»؛ چرا هنگامی که آن [تهمت بزرگ] را شنیدید، مردان و زنان مؤمن نسبت به خودشان گمان نیک نبردند، و نگفتند: این تهمت‌ی آشکار [از سوی منافقان] است؟ (نور / ۱۲)

بدین ترتیب به مقابله قرآن با شایعه‌سازی در سه حرکت و اقدام اشاره شده است: فرونشاندن جو التهاب و اضطراب؛ متوجه‌کردن گناه به توطئه‌کنندگان؛ سپس هوشیاری مؤمنان که باید در تمام شایعه‌سازی‌ها مد نظر قرار گیرد.

### ۱-۳- سازش

از دیگر کارهایی که منافقان برای تبلیغ بر ضد دین اسلام و شخص پیامبر(ص) به کار می‌بردند سازش با کفار بود تا از راه ممکن به اهداف شوم خود برسند. بدین صورت که، نامه نگاری کفار قریش با منافقان پیش از جنگ بدر، نشان‌دهنده ارتباط قدیمی این جریان با مشرکان قریش است، در این نامه که از طرف مشرکین قریش به عبدالله بن ابی و دیگر منافقین مدینه از دو قبیله اوس و خزرج نوشته شده، از آنان درخواست شده است که با پیامبر(ص) و دیگر مسلمانان را بکشند و یا از شهرشان بیرون نمایند. (حمیدالله، ۱۳۷۴: ۱۱۴)

منافقان مدینه برای پیشبرد کار خود با یهودیان از سویی و با سران قریش از سوی دیگر سر و سری داشتند و طرح سازش با آنها داشتند. این مثلث، مسؤل بسیاری از گرفتاری‌های سیاسی و نظامی مسلمانان بود. پس از پیروزی مسلمانان در بدر که از نظر منافقان و یهودیان بسیار غیرمترقبه بود، پیوند و سازش این دو گروه با یکدیگر استوارتر

شد؛ و با راس سوم مثلث هم ارتباط پنهان و آشکار خود را تقویت کردند. (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۸: ۱۴۳)

نمونه دیگر از برقراری ارتباط و سازش منافقین با یهود، هم پیمانی منافقان با یهودیان بنی نضیر بود که در جریان غزوه بنی نضیر از آن پرده برداشته شد. (یوسفی غروی، ۳، ۱۳۸۲: ۱۴۸)

از آنچه بیان شد می‌توان به این نتیجه رسید که کفار و منافقین برای نابودی دین اسلام و ضربه زدن به پیامبر اسلام در تمام صحنه‌ها با هم ارتباط داشتند و در خفا با هم طرح سازش ریخته بودند تا به اهداف شوم خود برسند.

### ۱-۳-۱- بصیرت و روشنگری راه مقابله قرآن با سازشکاری

از راهکارهای قرآن برای مقابله با ترفند سازش منافقین و کفار ایجاد بصیرت و روشنگری در میان مسلمانان است. در دعوت هیچ پیامبر الهی، از جهل و غفلت و عوام‌فریبی اثری نیست و هر چه هست بر پایه آگاهی و بصیرت باطنی بنا شده است. اگر زرمدران و زورمندان عالم برای باقی ماندن بیشتر بر مسند دنیوی به جهل و غفلت و فریب مردم تکیه می‌کنند، در مرام انبیا، بالعکس، جز آگاهی و علم و بصیرت مطلوب نمی‌باشد و گرایشی که مستند به شناخت و معرفت دل نباشد، پوچ و متزلزل شمرده می‌شود. تاریخ اسلام مملو از رشادت‌ها و جان نثاری‌های کسانی است که آگاهانه اسلام را پذیرفته و در راه آن تن به خطر داده‌اند و تا سر حد جان بر آن پای فشرده‌اند.

داشتن بصیرت در مقابل تبلیغ‌های دشمنان امری الزامی و واجب است. در حالی که دشمنان انبیاء به سبب نداشتن پشتوانه استدلالی استوار، در هنگام مواجهه با داعی حق، بر ضد حق و حقیقت و مجادله متوسل می‌شوند، پیامبران و صاحبان دعوت‌های الهی با ضمیری مطمئن بر جای خویش استوارند و مخاطبان را به تفکر و بررسی بی‌طرفانه و علمی موضوع فرا می‌خوانند؛ نمونه این نوع برخورد را در آیات تحدی قرآن شاهدیم که

## روش‌های تبلیغی کفار و منافقان در قرآن ۱۴۵

طبعاً از زبان پیامبر به مخالفان ابلاغ شده است: «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ»؛ (بقره / ۲۳) و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده‌ایم شک دارید، پس - اگر راست می‌گویید - سوره‌ای مانند آن بیاورید.

قرآن در آیات مختلف به سازش کفار و منافقین با دشمنان اسلام اشاره دارد و بدین وسیله به پیامبر اسلام هشدار می‌دهد تا بتواند در مقابل این توطئه‌ها بایستد و به قدرت خداوند هدف خود را به خوبی انجام دهد.

### ۴-۱- تهدید

تهدید پیامبر یا پیروان آن حضرت نیز روش دیگر کافران بود تا بر ضد دین اسلام تبلیغ کنند، تا بدین‌گونه جلوی نشر آیین اسلام را بگیرند و اگر باز هم موفق نمی‌شدند، آن‌گاه با عملی کردن تهدیدهای خود، دست به جنگ با پیامبر(ص) می‌زدند. تاریخ صدر اسلام نمونه‌های فراوانی از این شیوه کفار را ثبت کرده است.

#### ۱-۴-۱- تهدید جانی

از عملکردهای بسیار خطرناک جریان نفاق در عصر رسالت، توطئه و تهدید جانی رسول گرامی اسلام بود؛ منافقان که از هیچ فرصتی برای ضربه زدن به اسلام فروگذار نمی‌کردند، در یک اقدام بسیار خطرناک، تصمیم به ترور پیامبر(ص) گرفتند. (نوری، ۱۳۸۵: ۱۰) خداوند در آیه‌ای از قرآن این مسأله را چنین بیان می‌کند: «وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يُقَتِّلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» و [یاد کن] هنگامی را که کفرپیشگان درباره تو نیرنگ می‌زدند تا تو را به زندان دراندازند، یا به قتل برسانند یا [از وطن] بیرون کنند، و [در آینده هم، همواره بر ضد تو] نیرنگ می‌زنند و خدا هم جزای نیرنگشان را می‌دهد و خدا بهترین جزا دهنده نیرنگ زندگان است. (انفال / ۳۰)

#### ۱-۴-۲- تهدید اقتصادی

شرایط بسیار سخت اقتصادی آغازین سال‌های اقامت پیامبر اکرم(ص) در مدینه، که گاهی

موجب می‌شد مسلمانان تا چندروز به قوتی لایموت اکتفا کنند، و حتی در پنجمین سال هجرت، و در جریان غزوه احزاب پیامبر و اصحاب گرسنگی‌های چندروزه، را تحمل می‌کردند، (ابن‌هشام، ۱۴۲۰: ۳، ۲۲۸-۲۲۹) زمینه فتنه‌انگیزی‌های اقتصادی منافقان و تبلیغ بر ضد دین را فراهم می‌کرد. یکی از ترفندهای آنان این بود که نه تنها خود و همفکرانشان زکات و صدقه ندهند، بلکه یاران و اطرافیان رسول خدا را هم از انجام این تکلیف باز دارند، شرایط اجتماعی مدینه تغییرات جمعیتی که به واسطه هجرت مهاجران به مدینه پیش آمده بود هم به این موضوع کمک می‌کرد.

از جمله روش‌های تخریب ارتقای روحیه مشارکت جمعی در مسائل اقتصادی این بود که مومنان و مسلمانانی را که با وجود محدودیت امکانات، ایثار کرده و صدقه می‌دادند، به مسخره می‌گرفتند، (همان، ۱۹۶) گاهی هم آنان را متهم به خودنمایی می‌کردند: «الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛ آنان که در رابطه با صدقات از مؤمنانی که [افزون بر صدقه واجبشان از روی رضا و رغبت] صدقه [مستحبی] می‌پردازند، عیب‌جویی می‌کنند، و کسانی را که جز به اندازه قدرتشان [ثروت و مالی] نمی‌یابند [تا صدقه دهند] مسخره می‌کنند؛ خدا هم کیفر مسخره آنان را خواهد داد و برای آنان عذابی دردناک خواهد بود. (توبه / ۷۹)

به نظر برخی از مفسران در این آیه خداوند آنها را مسخره کرده و ایشان را عذاب دردناک خواهد داد. (فخررازی، ۱۴۲۰: ۱۸، ۱۴۵) بعضی از منافقان هم با مقایسه زکات با جزیه از پرداخت آن سرباز می‌زدند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۲، ۵۲)

خدا درباره دیگر اهداف محاصره‌ها و تحریم‌های اقتصادی دشمنان علیه امت و دولت اسلام به این نکته توجه می‌دهد که یکی از اهداف دشمنان، از محاصره و تحریم اقتصادی، پراکنده ساختن امت از پیرامون نظام ولایی و رهبری و تضعیف نظام اسلامی است. از همین رو دشمنان اسلام با تحریم اقتصادی بر آن هستند تا مردم و امت تحت فشار اقتصادی قرار گیرند و از نظام سیاسی اسلام ببرند.

## روش‌های تبلیغی کفار و منافقان در قرآن ۱۴۷

اصولاً از نظر قرآن، اقتصاد مایه قوام جتماع است؛ از این رو، هرگونه تهدید نسبت به اقتصاد به‌ویژه امنیت غذایی و آسایشی مردم به معنای فروپاشی نظام اجتماعی است. به طور طبیعی کسی که اقتصاد جامعه‌ای را با تحریم و محاصره اقتصادی هدف حملات بی‌امان خویش قرار داده است، نابودی ملت و مردمی را می‌خواهد؛ زیرا با نابودی اقتصاد نه ملتی می‌ماند و نه نظام سیاسی. بر همین اساس تحریم‌های اقتصادی مردم و نظام اجتماعی آنان را به عنوان یک ملت و امت هدف قرار می‌دهد. منافقان به عنوان دشمنان داخلی با توجه به این جایگاه اقتصاد، در تحریم امت بر آن هستند تا نظام سیاسی ولایی را نابود سازند و اهداف کفر آمیز خویش را تحقق بخشند.

### ۱-۴-۲-۱- قناعت و پرداخت زکات راه مقابله قرآن با تهدیدات اقتصادی

پیامبر اکرم (ص) هم برای خنثی کردن ترفندهای اقتصادی منافقان تدابیر دقیقی را اندیشید، که اهم آن ارتقا روحیه مشارکت جمعی، تقویت مبانی اعتقادی جامعه و برشمردن نتایج ملموس دنیوی و اخروی زکات و صدقات می‌باشد. (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۸: ۱۴۳) و تاکید بسیار قرآن بر زکات و صدقه و ... و اهمیت و پیامد انجام آن و همچنین ترفندهای پیامبر (ص) باعث شد بسیاری از نقشه‌ها و برنامه‌های منافقین در این زمینه خنثی گردد.

از نظر قرآن، دشمنان همواره در این اندیشه هستند تا مومنان را به تسلیم وا داشته و آنان را از مسیر حق و حقانیت و دفاع از عدالت و قیام و اجرای آنان باز دارند. همچنین تمام تلاش دشمنان این است که مومنان را از مواضع اصولی خویش از جمله حمایت از مظلومان و مستضعفان عالم در برابر ظالمان و مستکبران باز دارند، در حالی که این امور از مهم‌ترین مواضع دولت و امت ولایی در سیاست خارجی است.

بر اساس دیدگاه قرآن، عقب‌نشینی نسبت به اصول و مواضع اصولی در هیچ زمانی جایز نیست و حکومت اسلامی نمی‌بایست از مواضع اصولی خویش کوتاه آید؛ زیرا

دشمنان تا زمان تسلیم یا تغییر رفتار و آیین، دست از فشار و تهدید بر نخواهند داشت و محاصره جز با تغییر نظام سیاسی اسلام و عقب‌نشینی از آیین آن پایان نمی‌پذیرد.

بر اساس آیات قرآن، یکی از مهم‌ترین راهکارها در راستای مقاومت و مقابله با محاصره‌کنندگان و تحریم‌های آنان، قناعت‌ورزی و تکیه بر اقتصاد و توان داخلی در سایه توکل و اعتماد به خدا است. خداوند در قرآن جبران تنگناها و مشکلات اقتصادی در صورت قطع رابطه با مشرکان و تکیه بر اقتصاد داخلی را به مومنان وعده داده و فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»؛ ای اهل ایمان! جز این نیست که مشرکان پلیدند؛ پس نباید بعد از امسال به مسجدالحرام نزدیک شوند؛ و اگر [به سبب قطع رابطه با آنان و تعطیل شدن داد و ستد با ایشان] از بی‌نوایی و تنگدستی می‌ترسید، خدا اگر بخواهد شما را به زودی از فضل و احسانش بی‌نیاز می‌کند؛ یقیناً خدا دانا و حکیم است. (توبه/۲۸)

از نظر قرآن، اگر امت اسلام ایمان واقعی داشته باشند، هرگز تحت تاثیر تحریم و محاصره اقتصادی قرار نخواهند گرفت؛ زیرا این خدا است که روزی را قسمت می‌کند و در نهایت با صبر و استقامت و پایداری می‌توانند محاصره را بشکنند و به اهداف خویش نیز دست یابند. البته از نظر قرآن برای کسب موفقیت علیه محاصره‌کنندگان لازم است تا نظام اسلامی با بهره‌گیری از همه توان علمی و عملی امت اقدام به برنامه‌ریزی در شرایط بحرانی کند؛ چنان‌که حضرت یوسف (ع) در شرایط بحرانی خشکسالی مصر این‌گونه عمل کرد. (یوسف ۴۷-۵۵) از جمله این برنامه‌ریزی‌ها صرفه‌جویی در همه ابعاد از سوی حکومت و امت اسلامی است که می‌تواند از هرگونه اسراف و تبذیر جلوگیری به عمل آورده و با اولویت بخشی به امنیت غذایی و مانند آن بودجه و سرمایه امت اسلام را از حوزه کالاهای تشریفاتی خارج کند و در مسیر درست به کار اندازد. در حقیقت توجه امت و امام به حوزه مصرف و صرفه‌جویی مهم‌ترین عامل در پیروزی و شکست محاصره‌کنندگان خواهد بود.

## ۱-۵- القای یاس

القای یأس و ناامیدی از دیگر ویژگی‌های رفتار سیاسی منافقان و تبلیغ منفی آنان بود. ایجاد تزلزل و اضطراب، ناامن ساختن جو جامعه، ساختن و انتشار دادن شایعات دروغ و آکنده ساختن جامعه از اتهامات گوناگون نسبت به افراد و شخصیت‌ها عناصر تشکیل دهنده یک جنگ روانی است. (خاتمی، ۱۳۷۹: ۱۲۱) که جریان نفاق از این عناصر در جنگ روانی که علیه پیامبر(ص)، مسلمانان و حکومت اسلامی به راه انداخته بودند به گونه بسیار چشمگیری استفاده می‌کردند.

جریان نفاق با برشمردن تعداد نفرات و ادوات نظامی دشمن در آستانه جنگ‌ها و نیز در میادین نبرد و در مقابل کم جلوه‌دادن سپاه اسلام تلاش می‌ورزیدند در دل مسلمانان رعب و وحشت ایجاد کنند و آنان را از نبرد با دشمن باز دارند؛ چنانچه در جنگ احزاب و تبوک از این حربه برای تضعیف مسلمانان بهره بردند. همچنین آنان در مواقع بسیار حساس و بحرانی شایعات دلهره‌آور در بین مسلمانان و جامعه اسلامی پخش می‌کردند و مسلمانان را دچار اضطراب و وحشت می‌ساختند؛ گزارشات دروغ در مورد تعداد نفرات دشمن، شایعه قتل و یا اسارت پیامبر(ص) در جنگ‌ها و تهمت‌زدن به اشخاص از عمده‌ترین محورهای شایعه‌پراکنی جریان نفاق بود که نتیجه آن یاس و ناامیدی بود. چنانکه در جنگ احد با پخش شایعه کشته‌شدن پیامبر و در جنگ احزاب و نیز در آستانه آماده‌شدن سپاهیان اسلام برای جنگ تبوک با شایع ساختن کثرت بیش از حد تعداد نفرات دشمن سعی ورزیدند روحیه مسلمانان را تضعیف نمایند. (یعقوبی، بی‌تا: ۲، ۴۷)

## ۱-۵-۱- شیوه برخورد قرآن با القای یأس

یکی از بارزترین راهکارهای قرآن برای مبارزه با ناامیدی و القای یأس در تبلیغات دشمنان، مقاومت و توصیه به صبر است که نتیجه آن تعمیم انتظار برای موفقیت است. به همین دلیل انسان‌های مؤمن و موحد، در برابر ناملایمات و ناگواری‌های زندگی که نقش

موانع را ایفا می‌کنند، طریقه صبر و توکل بر خداوند را پیش می‌گیرند چرا که تحمل مشکلات و مقاومت در برابر عوامل یأس آور، سرانجام پیروزی را نصیب آدمی خواهد کرد.

«بَلَىٰ إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمَدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ» آری، اگر شکیبایی ورزید و پرهیزکاری کنید و دشمنان در همین لحظه، جوشان و خروشان بر شما بتازند، پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشان‌دار یاری می‌دهد. (آل عمران / ۱۲۵)

یکی دیگر از شیوه‌های قرآن در مقابل القای یأس دشمنان یادآوری نعمت‌های الهی است. طبق آیات قرآن خداوند جهت زدودن روح ناامیدی از مسلمانان صدر اسلام، دستور به یادآوری نعمت‌های خداوند یا امدادهای غیبی او در صحنه‌های حساس نموده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآئِي تُؤْفِكُونَ»؛ ای مردم! نعمت خدا را بر خودتان یاد کنید. آیا جز خدا هیچ آفریننده‌ای هست که از آسمان و زمین شما را روزی دهد؟ هیچ معبودی جز او نیست، پس چگونه [از حق] منصرفتان می‌کنند؟ (فاطر / ۳)

خداوند در این آیات و آیات مشابه نعمات خود را یادآوری می‌کند و گشایش در سختی‌ها را متذکر می‌شود تا همگان را از نومیدی رها سازد و به لطف خداوند امیدوار سازد.

#### ۱-۶- استهزاء

استهزاء، تمسخر، عیب‌جویی و طعنه و ریشخندزدن مؤمنان یکی دیگر ویژگی‌های تبلیغی منافقان است. آنان در برخوردهای اجتماعی‌شان مؤمنان را به باد تمسخر و استهزاء گرفته و اقدام به عیب‌جویی، ریشخندزدن و توهین و تحقیر آنان می‌نمودند. قرآن کریم این ویژگی جریان نفاق را این گونه مورد اشاره قرار داده است: «يَعْتَدِرُ الْمُنافِقُونَ أَن يُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهِزُّوْا إِنَّا اللَّهُ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ»؛ منافقان از اینکه سوره‌ای بر ضدشان نازل شود



که آنان را از اسراری که [در جهت دشمنی با خدا، پیامبر، مؤمنان و حکومت اسلامی] در دل‌هایشان وجود دارد، آگاه نماید اظهار ترس و نگرانی می‌کند؛ بگو: مسخره کنید، خدا آنچه را از آن بیمناک و نگرانید، آشکار خواهد کرد. و اگر [نسبت به اعمال ناهنجار و گفتار باطلشان] از آنان بازخواست کنی، قاطعانه می‌گویند: فقط شوخی و بازی کردیم! بگو: آیا خدا و آیات او و پیامبرش را مسخره می‌کردید؟ (توبه/۶۴ و ۶۵)

یکی دیگر از صفات عمومی منافقان و راه‌های تبلیغی آنان، این است که آنها افرادی لجوج، بهانه‌جو و ایرادگیر و کارشکن هستند. هر کار مثبتی را با استهزاء و مسخره کردن بد جلوه می‌دهند.

#### ۱-۶-۱- استدراج راه مقابله قرآن با استهزاء

خداوند در دفاع از مؤمنان در برابر استهزاء معاندان می‌فرماید: «اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ»؛ خدا آنان را [به کيفر این کار منافقانه در دنیا و آخرت] عذاب خواهد کرد، و آنان را در سرکشی و تجاوزشان مهلت می‌دهد [تا در گمراهی‌شان] سرگردان و حیران بمانند. (بقره/ ۱۵)

آنها را در برابر استهزاءشان مجازات می‌کند و کيفر می‌دهد یا وبال استهزاء را به خودشان برمی‌گرداند، و چنان است که آنها را استهزاء می‌کند، یا در دنیا به اجرای احکام اسلام و استدراج و مهلت‌دادن و ازدیاد نعمت در مقابل طغیان، و در آخرت به نشان‌دادن در بهشت و راه ندادن به آن معامله استهزائی با آنها می‌فرماید، یا آنها را به حقارت و پستی دچار می‌کند که لازمه‌اش استهزاء به آنهاست؛ توضیح دیگر اینکه در اخبار رسیده است که در قیامت دری از بهشت به جهنم باز می‌کنند و این منافقان شتابان بسوی آن در می‌روند و تا به آن می‌رسند در را بسته می‌یابند و به این طریق بسزای استهزائشان استهزاء می‌شوند.

(خسروانی، ۱۳۹۰: ۱، ۵۶)

خدا آنان را در مقابل این استهزاء و مسخره کیفر و جزا داده عذاب می‌کند و این کیفر به نام استهزاء خوانده شده است. طبق این قاعده که در بین عرب جزاء و کیفر هر عملی را به نام همان عمل می‌خوانند و در قرآن نیز آیه: «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا» (شوری / ۴۰) سزای بدی ما بدیی مثل آن است. همین مطلب را بیان می‌کند با اینکه پاداش و جزا وقتی به عنوان قصاص باشد بد نیست ولی مانند خود گناه «بد» نامیده شده است. و آیه «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ»؛ (نحل / ۱۲۶). اگر عقوبت می‌کنید نظیر آن عقوبت که دیده‌اید عقوبت کنید. سزا و جزای عقوبت را همان عقوبت نامیده است. (طبرسی، همان: ۱، ۷۷).

راغب اصفهانی می‌نویسد: «استهزاء از طرف خداوند صحیح نیست، همان طور که لهو و لعب از آن ذات مقدس بعید و غیر صحیح است. ولی خداوند در قبال استهزاءشان، آنان را مجازات می‌کند؛ به این معنا که مدتی را به ایشان مهلت داده، سپس گرفتار می‌نماید. این مهلت دادن استهزاء نامیده می‌شود که همان استدراج است؛ به طوری که ظالمان متوجه آن نمی‌شوند. یا گفته می‌شود: اگر کسی به تو نیرنگ زد، تو زیرکی کرده و واکنش نشان ندادی، گویا در حقیقت او را به تمسخر گرفته‌ای.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۴۲)

بنابراین به دست می‌آید که بهترین روش در مقابل تبلیغ استهزای معاندان این است که با آنان همان گونه رفتار شود که رفتار می‌کنند و مقابله به مثل صورت گیرد که خداوند یاری‌گر مؤمنان خواهد بود.

#### ۱-۷- تفرقه افکنی

یکی دیگر از روش‌های تبلیغی منافقین و کفار ایجاد تفرقه و اختلاف بین مسلمانان بود که برای رسیدن به این هدف، به هر کاری دست می‌زدند و به هر وسیله‌ای متوسل می‌شدند. یکی از این راه‌ها ساختن پایگاهی برای ایجاد تفرقه بین مسلمانان بود تا افراد منافق در آنجا گرد هم آمده، و اقداماتشان را علیه اسلام و مسلمانان سازماندهی نمایند؛ به جهت

## روش‌های تبلیغی کفار و منافقان در قرآن ۱۵۳

اینکه پنهان کاری تصمیم بر ایجاد این مرکز را در قالب ساختن مسجد گرفتند تا عنوان مسجد، پوششی برای فعالیت منافقانه آنان باشد، مسجدی که به مسجد ضرار شهرت یافت. قرآن کریم در سوره توبه آیه ۱۰۷ به احداث مسجد ضرار اشاره کرده است.

### ۱-۷-۱- اطاعت از ولی و اتحاد راه مقابله قرآن با تفرقه افکنی

از منظر قرآن کریم هر گونه منازعه‌ای باعث سست شدن و از بین رفتن عظمت مسلمانان خواهد شد. به همین دلیل خداوند فرمان به اطاعت و پیروی از خدا و رسولش و عدم نزاع و صبر و بردباری در برابر مشکلات می‌دهد و می‌فرماید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» و از خدا و پیامبرش فرمان برید، و با یکدیگر نزاع و اختلاف نکنید، که سست و بد دل می‌شوید، و قدرت و شوکتان از میان می‌رود؛ و شکیبایی ورزید؛ زیرا خدا با شکیبایان است (انفال / ۴۶)

اتحاد و یکپارچگی و دوری از اختلاف و تفرقه، از دستورات اکید الهی است که در آیات متعدّد به آن فرمان داده است و این فرمان باید در تمام زمینه‌ها رعایت شود، مخصوصاً در حال جنگ و درگیری با دشمن که ضرورت بیشتری دارد. (قرآنی، ۱۳۷۴: ۳، ۳۳۰)

یکی دیگر از مهم‌ترین برنامه‌های مبارزه توجه به مسأله رهبری و اطاعت از دستور پیشوا و رهبر است. همان دستوری که اگر انجام نمی‌گرفت جنگ بدر به شکست کامل مسلمانان منتهی می‌شد، لذا می‌فرماید: و اطاعت خدا و پیامبرش کنید و از پراکندگی و نزاع بپرهیزید؛ زیرا کشمکش و نزاع و اختلاف مجاهدان در برابر دشمن نخستین اثرش سستی و ناتوانی و ضعف در مبارزه است و نتیجه این سستی و فتور از میان رفتن قدرت و قوت و هیبت و عظمت شماست. سپس دستور به استقامت در برابر دشمنان و در مقابل حوادث سخت می‌دهد و می‌گوید: استقامت کنید که خداوند با استقامت‌کنندگان است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۱۹۵، ۷، ۱۹۶).

منافقان با نقاب ایمان تلاش می‌کنند مسلمانان را در هم بکوبند و با تبلیغ عقاید کفرآمیز جامعه را به دوران قبل از ظهور اسلام بازگردانند. تفرقه‌افکنی به عنوان هدفی

عالی، انگیزه‌ای قوی برای تبلیغ نفاق منافقان به شمار می‌آید. لکن خداوند خیانت آنان را آشکار کرد و با نزول آیاتی به پیامبر(ص) دستور تخریب و آتش‌زدن مسجد منافقان (ضرار) را داد.

آنان که برای ضررزدن (به مسلمانان) و کفر و ایجاد تفرقه میان مؤمنان و تهیه کمین گاه برای کسی که پیش از این با خدا و رسولش ستیزه کرده (ابوعامر فاسق) مسجدی بنا کردند و سوگند می‌خورند که ما منظوری جز نیکی نداشته‌ایم، خداوند گواهی می‌دهد که آنان دروغ می‌گویند، هیچ گاه در آن مسجد اقامه نماز نکند، بنابراین در این آیه شریفه ایجاد تفرقه عاملی مهم برای تبلیغ جهت ایجاد نفاق محسوب شده است. (دروزه، ۱۹۸۹: ۱۸۰)

این موضوع نشان می‌دهد که اطاعت از دستور رهبر و در کنار آن اتحاد مسلمین در نظر اسلام به قدری زیاد است که حتی اگر ساختن مسجدی در کنار مسجد دیگر باعث ایجاد تفرقه و اختلاف و شکاف در میان صفوف مسلمانان گردد آن مسجد تفرقه‌انداز نامقدس است. بیشترین دوستی و همکاری عملی منافقان با یهودیان در جنگ‌های پیامبر(ص) با یهودیان دیده می‌شود که این اثری از آثار همکاری پایدار یهودیان و منافقان در تبلیغ برای مقابله و رویارویی با اسلام است.

#### ۱-۸- القای ترس

نقش الگوها و شخصیت‌های اجتماعی بسیار ارزنده و حساس بود که در روش تبلیغ و گسترش اسلام نیز به کار گرفته شد، منافقان و قدرت‌طلبان متظاهر به اسلام و ورشکستگان سیاسی منتظر فرصت نیز از این اصل غافل نماندند و برای ساکت کردن امت اسلامی و به بندکشیدن دوباره توده‌های مردم، دقیقاً به همین اصل تکیه نموده، ابتدا به سوی الگوها شتافتند. گروهی را با پول و وعده حکومت و قدرت، تطمیع نمودند که حتی شهادت دروغین را امضاء کردند. گروه دیگری از شخصیت‌ها را اغفال نمودند و برخی دیگر را به

## روش‌های تبلیغی کفار و منافقان در قرآن ۱۵۵

شک و تردید کشاندند و بعضی را با تبلیغات مسموم و صحنه‌سازی‌ها، همراه کردند و جمعی را با تهدید و ارباب منزوی نمودند.

«وَ اذْكُرُوا اِذْ اَنْتُمْ قَلِيلٌ مُّسْتَضْعَفُونَ فِي الْاَرْضِ تَخَافُونَ اَنْ يَّخَطَّفَكُمْ النَّاسُ فَاَوَاكُمُ وَاَيْدِيكُمْ بِنَصْرِهِ...»؛ و یاد کنید هنگامی را که شما در زمین گروهی اندک بودید، و ناتوان و زبون شمرده می‌شدید، و همواره می‌ترسیدید که مردم [مشرک و کافر] شما را برابیند [تا شکنجه و آزار دهند] پس خدا شما را [در شهر مدینه] جای داد و با یاریش نیرومندتان ساخت. (انفال / ۲۶)

این آیه نعمت‌هایی را که خداوند به مسلمانان مهاجر داده بود، تذکر می‌دهد. این مسلمانان وقتی در مکه بودند تعدادشان اندک بود و همواره ناتوان شمرده می‌شدند و مورد آزار و اذیت مشرکان مکه بودند. وضع مسلمانان در مکه، پیش از هجرت بسیار رقت‌انگیز و اسفبار بود. آنها علاوه بر آزارها و شکنجه‌هایی که می‌شدند، بر جان خود نیز می‌ترسیدند و امنیتی نداشتند، به خصوص آن دسته از مسلمانان که از قبیله قدرتمندی نبودند و یا برده بودند و از جانب هیچ کس حمایت نمی‌شدند. آنها همیشه بیم آن را داشتند که مشرکان آنها را شکار کنند و برابیند و نابود سازند. همانگونه که بعضی از مسلمانان در اثر شکنجه مشرکان، جان خود را از دست دادند؛ مانند پدر و مادر عمّار یاسر. (جعفری، ۱۳۷۶: ۳۵۲)

انقلاب‌های موفق، همواره از طرف دشمنان مورد تهاجم و تهدید قرار نمی‌گیرند بلکه از درون با انحراف و قدرت‌طلبی شخصیت‌ها، یا تضاد فکری و درگیری الگوها و شخصیت‌های انقلابی، شکسته می‌شوند و از پای در می‌آیند. همان بزرگان و رؤسای قبایل و شخصیت‌های مهم اجتماعی، که دیروز مردم را فوج فوج به اسلام و هدایت الهی فرا می‌خواندند، امروز گروه گروه به اغفال و شرک و ارتداد و انحراف و سکوت و بی‌تفاوتی می‌کشاند، و خود عامل شکست و عقب‌ماندگی و سیر ارتجاعی نهضت و امت می‌باشند. (دشتی، ۱۳۷۷: ۸۸-۸۹).

## ۱-۸-۱- راه مقابله قرآن با القای ترس

راه مقابله قرآن با ایجاد رعب و وحشت را می‌توان یکی از نعمت‌های پروردگار بر مجاهدان دانست. در جنگ بدر، ترس و وحشتی که خداوند در جنگ بدر در دل دشمنان افکند و روحیه آنها را سخت متزلزل ساخت. (انفال / ۱۲)

شبی که فردای آن جنگ بدر واقع شد دل‌های اهل ایمان به وعده نصرت الهی قوی گردید و امتیاتی از جانب خداوند برای آنها حاصل شد. لذا به خواب رفتند ولی دلشان بیدار بود و مراقب بودند که دشمن شبیخون نزند. اتفاقاً بیشترشان محتلم شدند و چاه بدر در تصرف کفار بود شیطان وسوسه نمود که شما جنب شدید و آب ندارید با حال جنابت چگونه جنگ می‌کنید و ظفر می‌یابید و اگر کشته شوید و با این حال از دنیا بروید چگونه به بهشت می‌روید به علاوه ممکن است از تشنگی هلاک شوید و قادر بر دفاع از دشمن نشوید. لذا خداوند باران رحمت خود را بر آنها نازل فرمود که هم پاک شدند و هم پاکیزه و هم غسل نمودند و هم ذخیره کردند و هم از دل‌چرکینی که به واسطه وسوسه شیطان برای آنها از جهاد با این حال روی داده بود بیرون آمدند و هم مطمئن به عنایت و لطف الهی نسبت به خودشان شدند به طوری که گویا دل‌هاشان به ریسمان محکم امید و وثوق به خدا بسته شده و هم منزلگاهشان که زمین ریگزار بود و قدم‌هاشان در آن فرو می‌رفت سخت و صلب شد و ثبات قدم صوری و معنوی در جنگ برای ایشان حاصل گشت و این وقتی بود که خداوند به ملائکه‌ای که برای نصرت آنها فرستاده بود، وحی فرمود که من معین و یاور شما هستم ثابت قدم کنید اهل ایمان را در جهاد با کفار به ارائه دادن خودتان را به آنها و کمک نمودن با آنها در جهاد و بشارت به فتح و ظفر نایل آمدند. (تقفی تهرانی،

## روش‌های تبلیغی کفار و منافقان در قرآن ۱۵۷

در تفاسیر آمده است که: ملائکه به صورت آدمیان، مقدمه صف لشکر مؤمنان می‌رفتند و می‌گفتند: بشارت باد که شما غالب شدید و خدای تعالی ناصر شما است، مردانه باشید که دشمنان شما قلیلند و نصرت با شما خواهد بود. (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۴، ۳۰۴).

شک نیست که این رعب‌افکنی در دل دشمن که از عوامل مؤثر پیروزی بود، بدون حساب نبود، آن پایمردی مسلمانان، آن نماز جماعت و شعارهای گرم و داغشان، آن اظهار وفاداری مؤمنان راستین و سخنانی همچون سخنان سعد بن معاذ به اضافه آنچه قبلاً از استقامت مردان و زنان مسلمان در مکه دیده بودند، همگی دست به دست هم داد، و وحشت برای دشمنان آفرید. (همان)

بدین‌سان شاهد هستیم که چگونه خداوند در مقابل ارباب و ترسی که مشرکان در دل مسلمانان ایجاد می‌کردن مقابله به مثل می‌نماید و پاسخ آنها را با قاطعیت تمام می‌دهد.

### نتیجه

نظر به جامعیت و جاودانگی قرآن، در می‌یابیم که هیچ موضوع مهمی در راستای هدایت انسان نیست که در قرآن از آن صحبت نشده باشد. به خصوص موضوع مهمی همچون ساختار جامعه اسلامی و عواملی که به طور مثبت یا منفی در ساختار آن موثر است. با تاملی دقیق در آیات در می‌یابیم که تا چه اندازه قرآن کریم نسبت به «شناساندن دشمن» حساسیت نشان داده است. این آیات، انواع دشمنان مومنان و نظام اسلامی، ابزار و شیوه‌های دشمن و راه‌های مقابله با آنان را به مسلمانان می‌آموزد. این شیوه‌ها و راه کارهای تبلیغی دشمنان عبارتند از:

ردیف	شیوه تبلیغاتی	راهکار مقابله با آن
۱	ترور شخصیتی	۱- همدلی ۲- توجه به عقوبت کار
۲	ایجاد جنگ روانی	۱- فرو نشاندن التهابات ۲- متوجه نمودن مسئولیت گناه به تهمت زندگان ۳- مبارزه با توطئه گران
۳	سازشکاری	بصیرت و روشنگری
۴	تهدید	قناعت و پرداخت زکات
۵	القای یاس	۱- توصیه به صبر ۲- یادآوری نعمت‌های الهی
۶	استهزاء	استدراج
۷	تفرقه افکنی	۱- اطاعت از ولی ۲- اتحاد و همدلی
۸	القای ترس	مقابله به مثل

تاریخ همواره تکرار و مایه عبرت انسان‌هاست. جوامع اسلامی باید دریابند که دشمن فقط به معنای یهودیان و منافقان صدر اسلام خلاصه نمی‌شوند، بلکه دشمن با شیوه‌های جدیدتر همواره در نقشه شکست مسلمانان هستند. لذا با توجه به اهمیت تبلیغ و نقش تأثیرگذاری آن در روند سیاسی و اجتماعی جوامع به محققان آتی توصیه می‌گردد تحقیقاتی در موارد زیر انجام دهند:

- بررسی تأثیر تبلیغات در دوران معاصر
- بررسی تبلیغات در تاریخ ائمه اطهار و تطبیق آن با عصر معاصر
- چگونگی انجام تبلیغات سیاسی و اجتماعی در عصر حاضر
- تأثیر فضای مجازی و سایبری در تبلیغات

\*\*\*\*\*



۱. قرآن کریم
۲. ابن هشام، ابومحمد عبدالملک؛ (۱۴۲۰ق)، السیره النبویه، (تحقیق سهیل زکار)، بیروت: دارالفکر.
۳. ثقفی تهرانی، محمد؛ (۱۳۹۸ ق)، روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، چاپ دوم، تهران: برهان.
۴. جعفریان، رسول؛ (۱۳۶۶)، تاریخ سیاسی اسلام، قم: موسسه در راه حق.
۵. جعفری، یعقوب؛ (۱۳۷۶)، تفسیر کوثر، قم: هجرت.
۶. حمیدالله، محمد؛ (۱۳۷۴)، نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد (ص) و اسناد صدر اسلام، (ترجمه سید محمد حسینی)، تهران: سروش.
۷. خاتمی، سیداحمد؛ (۱۳۷۹)، سیمای نفاق در قرآن، قم: شفق.
۸. خسروانی، علیرضا؛ (۱۳۹۰ ق)، تفسیر خسروی، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
۹. دروزه، محمد عزه؛ (۱۹۸۹ م)، سیره الرسول، بیروت: مکتبه العصریه.
۱۰. دشتی، محمد؛ (۱۳۷۷)، تحلیل حوادث ناگوار زندگی حضرت زهرا(س)، قم: مؤسسه نشر امام علی(ع).
۱۱. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن احمد؛ (۱۴۱۲ ق)، مفردات الفاظ قرآن، (تحقیق صفوان عدنان داودی)، بیروت: دارالشامیه.
۱۲. سبحانی، جعفر؛ (۱۳۸۳)، تاریخ اسلام زندگانی پیامبر خاتم(ص)، چاپ هفتم، قم: امام عصر (عج).
۱۳. شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد؛ (۱۳۶۳)، تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات.
۱۴. طباطبایی، محمدحسین؛ (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، (ترجمه محمدباقر موسوی همدانی)، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن؛ (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، (مترجمان با مقدمه محمودجواد بلاغی)، چاپ سوم، تهران: ناصرخسرو.
۱۶. عبدالباقی، محمدفؤاد؛ (۱۳۸۴)، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن، قم: قدس.
۱۷. فخر رازی، محمد بن عمر؛ (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چاپ سوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۸. قرائتی، محسن؛ (۱۳۷۴)، تفسیر نور، تهران: درس‌هایی از قرآن.
۱۹. قرشی، سید علی‌اکبر؛ (۱۳۷۷)، تفسیر احسن الحدیث، چاپ سوم، تهران: بنیاد بعثت.
۲۰. مکارم‌شیرازی، ناصر؛ (۱۳۸۴)، تفسیر نمونه، چاپ بیست و چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

۲۱. یوسفی غروی، محمد هادی؛ (۱۳۸۲)، تاریخ تحقیقی اسلام [موسوعه التاریخ الاسلامی]، (ترجمه حسینعلی عربی)، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۲. یعقوبی، ابن واضح؛ (۱۳۶۲)، ترجمه تاریخ طبری، (ترجمه محمد ابراهیم آیتی)، بی‌جا: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۳. \_\_\_\_\_؛ (بی‌تا)، تاریخ الیعقوبی، بیروت: دارصادر.

#### مقالات

۲۴. عبداللهی عابد، صمد و فاطمه وجدی؛ (۱۳۹۴)، «بررسی جنگ نرم در آیات قرآن»، فصلنامه علمی، پژوهشی مطالعات تفسیری / شماره ۱۵، صص ۱۴۰-۱۱۷
۲۵. مهدوی دامغانی، محمود؛ (۱۳۸۸)، «بیامبر(ص) و جریان نفاق»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام / شماره اول، صص ۱۵۱-۱۳۵
۲۶. نوری، محمد موسی؛ (۱۳۸۵)، «عملکرد نفاق در عصر نبوی»، مجله معرفت / شماره ۱۰۸، صص ۱۸۰-۱۶۵

